



سازنی مارک نافلر در آلبوم *Sailing To Philadelphia* به همان خلوص و سادگی است که در سال ۱۹۷۸ زمانی که گروه دایر استریٹس Dire Straits خود را در سبک سلطان موسیقی Swing مطرح کرده بودند. نمونه های بسیار واضح و مستقیم از *Fuzz Wah-wah pedals* بر روی رید توانسته من شود. با پیچش مارکت و سبک شده است و بر روی سازنی مارک نافلر است.

در موسیقی مارک نافلر، به سبک های مختلف توجه شده است که از جاز و بلوز گرفته تا راک و پاپ. این سبک ها در کنار هم قرار گرفته اند و به سبک های مختلف از جمله *Strat* و *Strat* در کنار هم قرار گرفته اند.

همین «لو اسپیرو» است که در سال ۱۹۷۸ در آلبوم *Sailing To Philadelphia* به همان خلوص و سادگی است که در سال ۱۹۷۸ زمانی که گروه دایر استریٹس Dire Straits خود را در سبک سلطان موسیقی Swing مطرح کرده بودند.

این سبک ها در کنار هم قرار گرفته اند و به سبک های مختلف از جمله *Strat* و *Strat* در کنار هم قرار گرفته اند. این سبک ها در کنار هم قرار گرفته اند و به سبک های مختلف از جمله *Strat* و *Strat* در کنار هم قرار گرفته اند.



مارک نافلر

به روایت مارک نافلر

روبی کشار دانشه دانشه و با نامی ساز بزرگ از سبک جود روی سبک به استفاده من شده است. این سبک ها در کنار هم قرار گرفته اند و به سبک های مختلف از جمله *Strat* و *Strat* در کنار هم قرار گرفته اند.





رادپوی پدرش
را منفجر کرد
تا امروز، آمار
فر و ش
آلبوم‌هایی
را دارد که
اخیراً از
مرز ۴۰
میلیون
دلار نیز
گذشته
است. او
همنازی،
تهیه‌کنندگی
و نوشتن
تصنیف‌های
زیاد برای افرادی
چون باب دیلن،
اریک کلپتن و تینا
ترنر را بر عهده داشته
است.

به نظر می‌رسد ناflر آنقدر
مشغول بوده که تقریباً وقتی
برای مصاحبه با مطبوعات
نداشته است. بعد از حدود
پنج سال، این اولین باری
است که او تصمیم به معرفی
آلبوم جدیدی گرفته است.
این موقعیت استثنایی To
Philadelphia "Sailing
ضبط و پخش نه چندان
دلچسب، با همان گروهی که
"Golden Heart" را ضبط و
اجرای تور کرده، است. گای فلچر
Guy Fletcher کی برد، ریچارد
بنت Benvett Richard گیتار،
جیم ککس Jim Cox پیانو و هاموند
گلن ورف Glen worf باس و چاد
کرامول Chad Cromwel درام،
البته با همکاران عزیزی به عنوان
خواننده میهمان، مثل جیمز تیلر
James Taylor، ون موریسون،
گلن تیلبروک، و کریس دیفورد،
همچنین ستاره‌های کانتري گیلیان
ولچ و دیوید رولینگ.
ناflر توضیح می‌دهد: «آلبوم با همان پنج
نفری که من آخرین آلبوم را ضبط و
اجرا کرده بودم کار شده است. من
واقعاً به آنها انس گرفته‌ام. ما
به جای ی جلسه بزرگ
چند نشست کوچک
داشتیم. من فقط

از
زمانی
که ناflر
جوان

سعی کردم که چند ضبط خوب بگیرم. در
طی ساخت آلبوم من خیلی پروازم را در
فیلا دلفیا عوض می‌کردم. آنجا ی بندر
بزرگ هوایی است و شما وقتی با هواپیما
وارد بندر می‌شوید، همه بارکش‌ها و
کشتی‌های بزرگ را می‌بینید. ولی مردم،
اینجا فقط پروازشان را عورض می‌کنند.
آن موقع من کتابی از توماس بینچن به نام
میسن و دیکسون می‌خواندم. کتاب درباره
چگونگی نقشه‌برداری این دو مرد انگلیسی،
یک نقشه‌بردار و یک ستاره‌شناس، از زمین
پنسیلوانیا و مریلند است که باعث بوجود
آمدن خط مرزی Mason-Dixon شد.
ترانه تنها ۴ دقیقه است. پس کار من یک
تفسیر کوتاه از داستان است!»

چرا این همکاران خاص انتاب شده‌اند؟
به عنوان مثال جیمز تیلر؟... «خب، من
هرگز قبلاً با جیمز کار نکرده بودم ولی او
را در دهه هشتاد در اترالیا دیده بودم.»
مارک اضافه می‌کند: «آن موقع او به من
زنگ زد و از من خواست تا تهیه کننده‌اش
باشم. این اتفاق هیچ وقت نیفتاد، ولی من
او را به یاد داشتم و فکر کردم باید با
شخصیت میسن در این ترانه خوب جور
را بیاید و من هم می‌توانستم دیکسون
باشم.» ون موریسون روی Laugh
Last Squeezw گلن تیلبروک و
کریس دیفورد، خواننده Blues
Silvertown، می‌خواند.

«من دوباره به ون فکر کرده بودم.» ناflر
می‌گوید: «چون ما درباره کار مشترک با
هم حرف زده بودیم. وقتی که ترانه را
می‌نوشتم فقط می‌توانستم مجسم کنم
که ون آن را می‌خواند. با Blues
Silvertown می‌خواستم افراد
Squeeze را داشته باشم. ما در دیتفورد
جمع می‌شدیم و سیلورتون در امتداد رود
Thames است. من وقتی آن را نوشتم
که Dome تازه داشت ساخته می‌شد.
بقیه گروه تقریباً همگی، آمریکایی هستند.
مثل موسیقی، یک کانتري سنتی آمریکایی
با ریشه‌های مشخصی از بلوز. آلبوم مثل
کار قبلی "Golden Heart" در ناشویل
ضبط شده است. مارک با این وجود هیچ
عشق و علاقه ویژه‌ای به «شهر موسیقی»
ندارد. «من در استودیوهای زیادی کار
کرده‌ام.» او اضافه می‌کند: «ولی دلیل
اینکه بیشتر کارها را در ناشویل ضبط
کرده‌ام این است که سه نفر از ما اهل آنجا
بودند و یک نفر اهل لس آنجلس، من
و گای هم اهل اینجا بودیم. پس آسانتر
بود که آنجا ملاقات کنیم. این واقعا چهار
در برابر دو بود و آنها از ما بیشتر بودند. من
نگفتم که احساس خاصی نسبت به



ناشویل دارم، مثلاً از بیشتر ضبط‌هایی که آنجا کرده‌ایم خوشم نمی‌آید.»
 با وجودی که مارک در گلاسکو متولد شده است و در نیوکسل بزرگ شده است، تأثیر آمریکا کاملاً مشهود است. «خب، دو قاره خیلی به هم نزدیک و مرتبطند. دقیقاً به همان صورتی که کشورهای اسکانندیناوی خیلی با هم ارتباط دارند، قاره اصلی اروپا نیز از طرق گوناگون به خوبی یکپارچه است. من از موسیقی سنتی می‌ایم و شما متوجه می‌شوید که ترانه‌ها از کشورهای در اروپا به کشورهای دیگر اروپایی به آمریکا رفته‌اند و بعضی آنها با فرم‌های کمی متفاوت بازگشته‌اند. همه اینها برای من خیلی جالب است. نه تنها تاریخ موسیقی، بلکه همه ارتباطات مردم، سفرهای آنها و دلیل مهاجرت آنها از یک قاره به قاره دیگر، به طور خلاصه، دقیقاً همان راهی که تاریخ نشان می‌دهد.»

نافلر، در سراسر حرفه‌اش به افسون باب دیلن باور داشته است و این دو در خیلی موقعیت‌ها با هم کار کرده‌اند. مارک در "Slow Train Coming" نوازنده و در کار محبوب "Infidels" تهیه کننده بوده است. ولی وسوسه پیش از این شروع شده بود. «زمانی از همانوقت تابه‌حال درگیر او شده‌ام. او خیلی به ریشه‌های موسیقی علاقه‌مند است، اگر کسی بخواهد در کارش موفق شود باید همین‌طور باشد.» اولین ملاقات آنها زمانی که نایر استریت در کلوبی در لس آنجلس برنامه اجرا می‌کرد. مارک تعریف می‌کند: «باب آمد و واقعا یک خوردم، نمی‌توانم به‌درستی به خاطر بیاورم ولی در نهایت ما با هم کار کردیم. تقریباً زمان درازی صرف نوشتن جزء به جزء آلبوم "Infidels" با باب کردم. آن موقع من در لس آنجلس بودم و به سانتامونیکا رفتم. ترانه‌ها را مرور کردیم، سپس به استودیو رفتم. او گفت: می‌خواهم یک ضبط حرفه‌ای بکنم. چون من تنها کارهای خانگی می‌کردم.»

نافلر اعتراف می‌کند که چت اتکینز Chit Atkins، گیتاریست و تهیه‌کننده افسانه‌ای الگوی او بوده. درباره همکاری سال ۱۹۹۰ خود خود با او می‌گوید "Neck And Neck" رویایی بود که به حقیقت پیوست. ولی همیشه این‌طور نبوده است. «زمانی که شروع کردم در واقع چت اتکینز معنی زیادی برای من نداشت. من فقط دوست داشتم مثل BBKing بنوازم و سپس چند سال بعد، کم‌کم به نواختن کانتری بلوز علاقه‌مند شدم. فکر می‌کردم چت جالب است ولی هیچ‌وقت فکر نمی‌کردم بتوانم مثل او کار کنم. این خیلی



پژوهش علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 پرتال جامع علوم انسانی



دور از دسترس بود. در هر حال، بگذریم. در واقع من اذیت نشدم. ما همه می‌خواستیم بلوز بزنیم و چت یجیزهای دیگری اجرا می‌کرد، وارون Dixie یا چیزی مثل آن؛ دقیقاً نمی‌دانستم او چه می‌کند. فقط فکر نمی‌کردم که این اصلاً امکان‌پذیر باشد. وقتی در کودکی به چیزهایی مثل برادران اورلی گوش می‌دادم، نمی‌دانستم که چت ترانه‌ها را تهیه و اجرا کرده است. نمی‌دانستم که او چقدر در تاریخ موسیقی مهم بوده است؛ یا کارهایی که افرادی مثل بیتلز را تحت تأثیر قرار داده و آنها را به چیزی که هستند تبدیل کرده است. نمی‌دانستم که او این همه موسیقی برای افرادی چون الویس ساخته است و این که او در 'Heartbreak Hotel' ساز می‌زد. چون چیز زیادی درباره تاریخ موسیقی



نمی‌دانستم.»
همکاری دیرینه دیگر با اریک کلپتن بوده است... «بله، من اریک را برای مدتی ندیده بودم، ولی همیشه کار کردن با او جالب بوده است. آخرین بار فقط می‌خواستم از خانه بیرون بروم، به خیابان بروم و کمی خوش باشم. ساز زدن یا کلپتن عالی بود، چون همیشه کاملاً طبیعی اتفاق می‌افتاد.»
با آلبوم "Brothers In Arms" و مخصوصاً ترانه "معروفش MoneyForNothing" مارک نافلر حناقل برای چند نسل بعد از خود در حسابش پول دارد. این شاید برای بسیاری از طرفداران دایر استریت نقطه اوج باشد ولی برای خود نافلر؟ «نه، هرگز.» فوراً جواب می‌دهد: «موفقیت کمی تصادفی است. همزمان با معرفی قالب CD اتفاق می‌افتد. این اولین CD تک ترانه‌ای بود، خوشبختانه یا

بدبختانه، هر چیزی که می‌خواهید بگویید، فقط در آن زمان این اتفاق افتاد. ولی من خیلی خیلی احساس خوشبختی می‌کردم. موفقیت چیز خوبی است. من آن را به همه پیشنهاد می‌کنم. (می‌خندد.) ولی من فقط از کارکردن و مرتب کار کردن احساس خوشبختی واقعی می‌کنم. وقتی که سوار موتور سیکلتم می‌شوم تا سریع به محل کارم برسم، برای اینکه امیدوارم. من به تور رفتن را دوست دارم، نوشتن را دوست دارم و تمرین کردن را از هر چیزی بیشتر دوست دارم. من یکی از آن افراد خوشبختی هستم که از تمامی کار مورد علاقه‌شان لذت می‌برم.»

با بررسی زندگی حرفه‌ای هر فوتبالیست می‌توانید بگویید: «این بهترین فصل او بوده است.» آیا نافلر می‌تواند بهترین و خلاق‌ترین سالهای خود را نام ببرد؟ «نه، اصلاً چنین احساسی ندارم.» مارک می‌گوید: «من همیشه روی کاری که در حال حاضر انجام می‌دهم و اتفاقی که بعد خواهد افتاد تمرکز دارم. وقتی کاری را تمام کردم، احساسی مثل این دارم که فقط دست گرمی بوده است. همیشه احساس می‌کنم این کار همان چیزی که می‌خواستم نیست. همیشه چیز متفاوتی از کار در می‌آید چیزی خیلی بهتر؛ ولی واقعیت زمانی است که یک نفر سراغ من می‌آید و مثلاً می‌گوید: «من می‌خواستم خودکشی کنم ولی وقتی به موسیقی تو گوش دادم، فهمیدم زندگی جریان دارد...»
«این واقعا خیال‌انگیز است. آنوقت احساس می‌کنم سهم کوچکی ادا کرده‌ام. ولی یک چیز هیجان‌انگیز در این اعانه هنری نهفته است، چیزی رضایتبخش؛ ولی هیچ‌وقت نگران قدم عدی نیستم. هیچ‌گاه در این باره احساس فشار نمی‌کنم. چون همیشه می‌دانم که می‌خواهم به ساختن ادامه دهم. پس فشار موفقیت‌های تجاری را احساس نمی‌کنم. مردم دیگر درباره‌اش حرف می‌زنند. ولی اگر درست وسط آن باشید اگر داخل ماجرا باشید، آن را احساس نمی‌کنید. این بیشتر چیزی است که از بیرون دیده می‌شود.»

دایر استریتز به‌عنوان «راک مردمی که به یک ستاره بزرگ تبدیل می‌شود» توصیف شده است. آیا نافلر هیچ عقیده‌ای درباره که چه چیزی گروه او را تا این حد موفق کرده است دارد؟ «نه، نمی‌دانم.» او شانه بالا می‌اندازد. «شاید به این دلیل که من تمام وقتم را صرف به انجام رسانیدن کامل

چیزی می‌کنم که می‌خواهم بدست آورم شاید مردم گاه متوجه می‌شوند که این یک تلاش است. من همیشه فکر می‌کنم قبل از شروع نمایش، بازیگر باید بیرون بیاید و بگوید: «عصر بخیر خانم‌ها و آقایان، ما امشب چرخی در مکتب می‌زنیم یا ما هملت را امتحان می‌کنیم.» «چون در واقعیت این همه چیز است که می‌تواند باشد.»

در حالی که دایر استریتز به‌عنوان یک گروه شروع به کار کرده است. بعد از سالها به‌نظر می‌رسد که تبدیل به نفس متغیر نافلر با تنظیمات متفاوت شده است. «من فکر می‌کنم اتفاقی که افتاده این است که من به تنهایی شروع به ساز زدن کردم. یا برای یک نفر دیگر، دوست دخترم یا یکی از هم‌کلاسیهایم، بعدها باستیفیلیس Phillips Steve از Hillbillies Notting ساز می‌زدم. ما دو نفری شروع کردیم. یا باس و درام یک گروه چهارنفره کوچک درست کردیم، یعنی چیزی که من می‌خواستم، بعدها کی برد هم داری و ناگهان همه چیز ساخته می‌شود. واقعا شینیدن چیزهای مختلف، باس را تغییر می‌دهی و غیره و ناگهان می‌فهمی که به یک مبتدی بدل شده‌ای، در اصل چیزی تغییر نکرده است. من از بحرانی به بحران دیگر در نوسان بودم. اتفاقی که افتاد این بود که وقتی با همه این عناصر متفاوت کار کنی، با این اجزا هماهنگ می‌شوی، صدا، ارکستراسیون و بعد از مدتی به آن عادت می‌کنی و ناگهان می‌توانی بین یک عده موسیقیدان واقعی، مثل افرادی که الان با آنها کار می‌کنم، بایستی و صدای هر کسی را بشنوی و با این همه احساس راحتی کنی.»

آیا این احتمال وجود دارد که آلبوم دایر استریت دوباره تکرار شود؟ «من فکر نمی‌کنم دیگر آلبوم جدیدی باشد.» مارک می‌گوید نه «ولی ما مسلماً هر از گاهی دور هم جمع می‌شویم. جان (ایزلی) یکی از بهترین دوستان من است همینطور گای (فلچر)، من همه‌کاری با او کرده‌ام. اخیراً کریس (ویتن) را درحین موسیقی‌گذاری فیلم دیدم. اغلب او را در نیوکاسل می‌بینم. ما همه با هم به کنسرت ماندلا رفتیم و با همه به عروسی جان رفتیم. ما با هم ساز می‌زدیم. هر چیز ممکن را اجرا می‌کردیم. ولی من همیشه به این فکر می‌کنم که کجا و چگونه گام بعدی را بردارم.»